یاد

## لاریجانی، درگذشت مرتضی احمدی را تسلیت گفت

دکتر علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی در پیامی درگذشت مرتضی احمدی، بازیگر و گوینده پیشکسوت رادیو و تلویزیون را تسلیت گفت.

به گزارش ایسنا متن پیام رئیس مجلس شورای اسلامی به این شرح است:

**بسم الله الرحمن الرحیم**

درگذشت هنرمند باسابقه و پیشکسوت عرصه بازیگری و گویندگی مرحوم مرتضی احمدی موجب تاسف شد. نقش‌ها و هنر بیان مرحوم احمدی همواره برای مردم دلنشین بود و به همین دلیل هیچگاه هنر خود را از بطن مردم و جامعه دور نساخت تا به‌عنوان چهره‌ای ماندگار باقی بماند. اینجانب فقدان مرحوم مرتضی احمدی را به جامعه هنری، دوستداران و خانواده آن مرحوم تسلیت گفته، برای آن هنرمند فقید رحمت واسعه و برای بازماندگان صبر و اجر از درگاه خداوند طلب می‌کنم.

**علی لاریجانی- رئیس مجلس شورای اسلامی**

جشنواره فیلم فجر

## اعلام اسامی آثار بخش نگاه نو جشنواره فجر در هفته اول دی‌ماه

نخستین نشست اعضای هیات انتخاب سی‌وسومین جشنواره فیلم فجر با اتمام بازبینی فیلم‌های بخش نگاه نو و نیمی از آثار سودای سیمرغ برگزار شد. به گزارش مهر، در این جلسه اعضای هیات انتخاب جشنواره به بحث و تبادل نظر درباره ویژگی‌های هر یک از آثار سینمایی پرداختند که براساس آن حدود ۶۰ اثر بازبینی شده و مورد ارزیابی اولیه قرار گرفت. این در حالی است که اعضای هیات‌انتخاب نیز درباره هر فیلم به تفکیک با یکدیگر گفت‌وگو کرده و از نظرات یکدیگر مطلع شدند. علیرضا رضاداد، دبیر سی‌وسومین جشنواره فیلم فجر درباره این جلسه توضیح داد: قرار قبلی ما با هیات‌انتخاب جشنواره این بود که در پایان بازبینی آثار سینمایی فیلم‌های نگاه نو، مروری کلی بر آثار بازبینی شده داشته باشیم. خوشبختانه اعضای هیات انتخاب، مجموعه آثار رسیده به جشنواره امسال را بسیار خوب و راضی‌کننده ارزیابی کردند و خوشحالم از اینکه هیات انتخاب جشنواره فیلم فجر امسال از آثار رسیده به این رویداد راضی بودند. من این امر را یک موفقیت برای سینمای ایران می‌دانم که میزان رضایت هیات انتخاب از فیلم اولی‌ها تا این حد قابل توجه است. دبیر سی‌وسومین جشنواره فیلم فجر تاکید کرد: از ۶۰ اثری که تاکنون از سوی هیات انتخاب جشنواره فجر بازبینی شده، ۳۱ فیلم مربوط به بخش نگاه نو است البته بازبینی این بخش به پایان رسیده و امیدواریم در هفته آینده بازبینی آثار بخش سودای سیمرغ نیز به پایان برسد. رضاداد گفت: جمع‌بندی نهایی هیات انتخاب درباره فیلم‌های نگاه نو در جلسه بعدی و تا پایان هفته جاری انجام شده و براساس اعلام قبلی، تا هفتم دی اسامی آثار این بخش را اعلام خواهیم کرد و به فاصله چند روز بعد نیز آثار فیلم‌های سودای سیمرغ معرفی می‌شود.

■■■

## نسخه نهایی «عصر یخبندان» تحویل دبیرخانه جشنواره فجر شد

فیلمبرداری آخرین ساخته مصطفی کیایی طی شب‌های گذشته در لوکیشنی واقع در خیابان سهروردی تهران بعد از ۵۲ جلسه فیلمبرداری و ۲۸ جلسه شب‌کاری در تهران به پایان رسید. مهتاب کرامتی، بهرام رادان و محسن کیایی بازیگرانی بودند که در آخرین شب فیلمبرداری این فیلم جلوی دوربین مهدی جعفری، فیلمبردار این اثر سینمایی رفتند. نیما جعفری‌جوزانی تدوین این فیلم را همزمان با فیلمبرداری بر عهده داشته و از سوی دیگر علیرضا علویان هم کار صداگذاری فیلم را از چند روز قبل آغاز کرد تا گروه بتواند در موعد مقرر نسخه کاملی از تازه‌ترین فیلم مصطفی کیایی را جهت بازبینی هیات انتخاب به دفتر جشنواره فیلم فجر ارائه کند. به گزارش تسنیم، نسخه کامل و تدوین‌شده فیلم «عصر یخبندان» در موعد مقرر به دفتر جشنواره فیلم فجر ارسال شد. آرمان موسی‌پور، آهنگساز این فیلم مشغول ساخت موسیقی برای این فیلم است و تا چند روز دیگر موسیقی فیلم «عصر یخبندان» آماده می‌شود. «عصر یخبندان» دومین همکاری مصطفی کیایی با منصور لشکری قوچانی بعد از فیلم «خط ویژه» است و نخستین اکران این فیلم در سی‌وسومین جشنواره فیلم فجر خواهد بود. در خلاصه داستان این فیلم آمده است: در «عصریخبندان» خارپشت‌ها تصمیم گرفتند رنج خارهای یکدیگر را تحمل کنند اما کنار هم باشند و به هم گرما بدهند، خارپشت‌ها تنها جاندارانی بودند که در «عصر یخبندان» زنده ماندند. بهرام رادان، مهتاب کرامتی، آنا نعمتی، سحر دولتشاهی، محسن کیایی، مینا ساداتی، فرهاد اصلانی و ژاله صامتی بازیگرانی هستند که در این فیلم به ایفای نقش می‌پردازند.

### نگاهی به فیلم «بیگانه» آخرین ساخته بهرام توکلی

# مینی‌بوسی به نام هوس!

**کاوه قادری:** «بیگانه» را در نگاهی کلی و اجمالی می‌توان اقتباسی آنقدر کم جان و کم مایه و ناموفق از نمایشنامه «تراموایی به نام هوس» تنسی ویلیامز و همچنین فیلم «اتوبوسی به نام هوس» الیا کازان دانست که حتی ویژگی‌های فرمی منحصر به فرد توکلی و بازی پانتهآ بهرام و نیمچه تدوین نیز به عنوان معدود نقاط قوت اثر، نتوانسته‌اند در مقام نجات آن برآیند. با چنین احوالی که در محتوا حاکم است (در نسبت با متن اصلی یعنی اتوبوسی به نام هوس) بیگانه بهرام توکلی اتوبوسی به نام هوس که نه، مینی‌بوسی به نام هوس است. بزرگ‌ترین موهبت «بیگانه» در فرم نهفته است؛ البته نه در فرم روایی، بلکه غالبا در میزانسن‌ها. انتخاب خضوعی ابیانه به عنوان مدیر فیلمبرداری و بهره‌گیری از دوربینی غالبا همراه با شخصیت‌ها، این‌بار و بویژه در نیمه اول «بیگانه»، با نماهایی ثابت و بازی‌هایی غالبا ایستا و بی‌حرکت (ولو برای چند ثانیه در هر نما) همراه شده و فرم توکلی را حداقل نسبت به دو اثر قبلی‌اش (اینجا بدون من و آسمان زرد کم عمق) تازه‌تر کرده‌اند. واضح است که توکلی به سبک آثار دهه‌های ۴۰ و ۵۰ سینمای آمریکا، در حال عکاسی است و حال اینکه آیا این عکاسی قرار است نوآمده‌ای در فرم سینمای توکلی باشد یا صرفا به سبب ادای دین به کازان مورد استفاده قرار گرفته است، راستش را بخواهید چندان هم مشخص نیست اما آنچه حائز اهمیت است، این است که بهره‌گیری از این عکاسی، در کنار سایر ویژگی‌های ثابت فرمی سینمای توکلی (همچون صدای پس زمینه‌ای محیط و موسیقی موجز تصویری که جهت فضاسازی، در «بیگانه» نیز کم و بیش به چشم می‌خورند) فرمی نیمه تلفیقی (تلفیق فرم سینمای کازان در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ با فرمی که توکلی تاکنون برای خود برگزیده) را برای «بیگانه» رقم زده و مجموعا جزو نقاط قوت فیلم به شمار می‌آید. بازی پانتهآ بهرام نیز یکی دیگر از معدود موهبت‌های فیلم است. وی تنها بازیگر «بیگانه» است که توانسته توأمان بازی‌های درونی و بیرونی موفقی از خود به جای بگذارد و نگون‌بختی درونی و باطنی کاراکترش را با شکوه بیرونی و ظاهری که البته هر دو به لحاظ داستانی کم پرداخت‌اند و قابل استیضاح، جمع بزند تا شخصیت نسرین را نه به سبب پلات و پرداخت فیلمنامه، بلکه با اتکا به قدرت تحلیلی که احتمالا با مددگیری از بلانش تنسی ویلیامز در ایفای نقش خود دارد (موهبتی که برای مثال در بازیگری همچون مهناز افشار یافت نمی‌شود) تا حدی دراماتیزه و البته نه ایرانیزه کند. ضعف در پرداخت‌ها و فرم روایی اما، «بیگانه» را به رغم برخی تفاوت‌های جزئی با «اتوبوسی به نام هوس»، از سویی آنچنان به سبب فقدان جهان و نگاه و نگره و «خود»، از استقلال ساقط کرده و به اثری زیر سایه کازان تبدیل کرده که مرگ فیلم، بدون حضور منبع‌اش حتمی باشد و از سوی دیگر، آنچنان از اصلی‌ترین مایه‌ها و عناصر و محورهای داستانی نمایشنامه ویلیامز و فیلم کازان غافل کرده که ضعیف‌ترین و سهل‌الوصول‌ترین اقتباس از نمایشنامه و فیلم مذکور را رقم زده است؛ گویی که از خود رانده باشد و از ویلیامز مانده.این اتفاق در حالی رخ داده که همه شخصیت‌های فیلم کازان، در «بیگانه» توکلی، آن هم در فیلمی که هم فیلمنامه و هم فرمش کلاسیک است و طبعا پرداختی کلاسیک را نیز می‌طلبد، به نحوی بریده بریده و بسیار ناقص پرداخت شده و هیچکدام، نه مستقلا دراماتیزه شده‌اند و نه مستقلا قابل شناسایی‌اند و در این میان، حتی وجود عناصر دارای وجه استعاری نیز کمکی به رفع مصیبت‌های مذکور نمی‌کند. توکلی، تاکیدات کازان بر تفاوت طبقاتی در «اتوبوسی به نام هوس» را در «بیگانه» به کل نادیده گرفته و فقط و فقط روی شخصیت‌هایی متمرکز شده که همگی، سایه‌هایی بشدت ضعیف از شخصیت‌های کازان هستند. سپیده با آن چهره تمام عبوسش و دیالوگ‌های خشکش، بشدت تیپ است و هیچ نشانی از شخصیت خواهر ندارد؛ نه معصومیت و پاکدامنی و مهر و حجب و حیای استلا را دارد و نه حتی خرده تظلم‌خواهی‌های منبعث از بافت اجتماعی منتسب به او را. امیر نیز با آن چهره ظاهرا کارگرانه‌اش، نه آن خشونت و برتری‌جویی استنلی را دارد و نه آن حقانیت‌طلبی و پیروزی به نمایندگی از قشر کارگر را. دهشتناک‌تر از این دو اما نسرین است که به وضوح، هم فاقد اصلی‌ترین خصیصه دراماتیک بلانش است و هم فاقد یکی از اصلی‌ترین درونمایه‌های «اتوبوسی به نام هوس»؛ فروپاشی در اوج شکوه. دشوار نیست درک اینکه توکلی در «بیگانه» قصد دارد فروپاشی نسرین را با شمایلی متفاوت‌تر از فروپاشی بلانش به تصویر بکشد. اصل مصیبت اما آن هنگامی رخ می‌دهد که اساسا فروپاشی در کار نیست؛ نسرین ما از همان ابتدا نگون‌بختی درونی دارد و شکوه بیرونی اما در سیر درام به فروپاشی نمی‌رسد؛ اصلا به فروپاشی نمی‌رسد؛ بلکه از همان ابتدا فروپاشیده است و فروپاشیده ادامه می‌یابد و فروپاشیده تمام می‌شود؛ بدون کوچک‌ترین فراز و فرودی و به تبع آن بدون کمترین جذابیت دراماتیکی برای مخاطب و بی‌آنکه حتی چرایی و چگونگی این فروپاشی تبیین شود. کاش توکلی حداقل طریقتی همچون وودی آلن در «جاسمین غمگین» را پی می‌گرفت؛ با مددگیری از روایتی غیرخطی در قالب فلاش‌بک‌هایی از گذشته نسرین که در تدوینی موازی با زمان حال او قرار می‌گرفتند، هم فروپاشی نسرین را از حالت مفقودی خارج می‌کرد و برایش «بک‌گراند» و چرایی و چگونگی تعریف می‌کرد و به وهم و حسرت توأمانش و تضاد درونی و بیرونی همزمانش معنا می‌داد و هم از طریق ایجاد فراز و فرود، به درام موجودیت می‌داد و هم فرم روایی‌اش را قوام می‌بخشید و تا حد زیادی حفره‌زدایی می‌کرد و هم تدوین یکنواخت و بی‌کارکردش را همچون «آسمان زرد کم عمق» و «اینجا بدون من» به نقطه قوت اثر بدل می‌کرد. مشابه کمبودهای مذکور را در فصل بندی «بیگانه» نیز می‌توان یافت. برای نمونه، آغاز و پایان و حتی سیر فصولی همچون آشنایی ۲ خواهر و مشاجره‌های بعدی‌شان، دروغ‌های نسرین، بر باد رفتن سرمایه امیر و تنش‌هایش با نسرین، سرخوردگی داوود و نابودی نسرین، به رغم دارا بودن تصاویر و کارت‌پستال‌هایی زیبا و البته فقط نمادین، در فیلم مفقود هستند که این نیز بی‌تردید از کم پرداختی و به تبع آن، گذرا بودن و کم رمقی فصول مذکور (بویژه فصل تنش‌های میان امیر و نسرین) نشأت می‌گیرد. برای نمونه در فصل تنش میان امیر و نسرین (که مطابق با نمایشنامه کازان باید مملو می‌بود از سرکوفت‌زدن‌های نسرین به خواهرش درباره امیر) در همه طول فیلم، نسرین تنها یک‌بار از دست امیر به سپیده شکایت می‌کند و دیگر هیچ. تمام فصل آشنایی دو خواهر تنها در یکی، دو کارت‌پستال خلاصه می‌شود. فصل دروغ‌های نسرین، عمری فراتر از یک سکانس نمی‌یابد و فصل سرخوردگی داوود نیز عمری فراتر از یک پلان. آری! گویی که تمام این فصول (که اجزای به هم پیوسته درام کازان و نمایشنامه ویلیامز هستند) در «بیگانه»، همچون شخصیت‌ها، فقط و فقط به عنوان کدهایی نمادین نسبت به فیلم کازان به‌کار می‌روند و انگار نه انگار که توکلی (که در «اینجا بدون من» سابقه موفق دراماتیزه و ایرانیزه کردن شخصیت‌های نمایشنامه تنسی ویلیامز را داشته) حتی در مقام ساخت اثری اقتباسی نیز، باید خود را موظف به ساخت درام از طریق دراماتیزه کردن شخصیت‌ها و شکل‌دهی موقعیت‌های دراماتیک بداند. فیلمساز محترم و کاربلد در مینی‌مال‌سازی (که این کاربلدی را در «اینجا بدون من» و «آسمان زرد کم عمق»، به وضوح به اثبات رسانده است) در «بیگانه» به طرز شگفت‌آور و صدالبته تاسفباری، گویی بیان مینی‌مال را نه در ایجاز در بیان، بلکه در حذف بیان می‌بیند، فقط و فقط کدهای نشانه‌ای (و نه حتی کدهای دراماتیک) می‌دهد و نه آدم‌هایش را دراماتیزه می‌گرداند و نه موقعیت دراماتیکی برای آنها تعریف می‌کند و در نتیجه درامی نیز نمی‌سازد و همین تبدیل شدن توکلی به فیلمساز نشانه (فیلمسازی که فقط و فقط از طریق گنجاندن کدهای نشانه‌ای در اثر، درام خود را خلق کند) در صورت تداوم، مصیبت‌هایی بس جدی (از جنس همان مصیبت‌هایی که کیمیایی امروز به آنها دچار شده است) برای فیلمساز و سینمایش به بار می‌آورد و در همین «بیگانه» نیز حداقل آفتی که تولید می‌کند، کاهش دایره مخاطبان اثر به مخاطبان خاص است. شاید آن دسته مخاطبانی که با پیش فرض ساخته شدن دنیای توکلی در اقتباسش از ویلیامز و کازان، به سینما می‌روند، قادر باشند کم و بیش با دنیای «بیگانه» ارتباط برقرار کنند اما مسلما مخاطبانی که چنین پیش‌فرضی ندارند یا اثر کازان را ندیده‌اند، با تماشای حتی چندباره «بیگانه» نیز با فیلم، ارتباط برقرار نخواهند کرد چرا که توکلی در «بیگانه»، نه تنها دنیای خودش را نساخته، بلکه حتی دنیای کازان را نیز ناقص و پرحفره و از طریق کدهای نشانه‌ای خلق کرده و از این رو است که اثرش بدون درنظر گرفتن «اتوبوسی به نام هوس» به عنوان پیش فرضی ذهنی و الصاقی متنی، دچار بی‌هویتی و نهایتا مرگ تدریجی در سیر زمان می‌گردد.جغرافیای «بیگانه» نیز به سبب عدم ساخت جهان فیلمساز و الصاق جهانی شبه‌کازانی به فیلم، مفقود بوده و از این رو شخصیت‌ها علاوه بر بی‌هویتی و دراماتیزه نشدن، ایرانیزه نیز نشده‌اند و مشخص نیست توکلی «بیگانه» را دقیقا برای کدام ملت و در خدمت کدام فرهنگ و در مقام آینگی یا آسیب شناسی کدام جامعه ساخته و اگر احیانا قصد آفرینش اثری جهانشمول و انتقال پیامی فراگیر را داشته، آیا تحقق این مهم، با وجود جغرافیای مفقود شده فیلم که حتی از شهر نیز عنصری در خدمت فیلم نساخته و عنصر مکان را تا حد زیادی در «بیگانه» بی‌موضوعیت کرده، میسر است؟!این همه، «بیگانه» را به اثری بی‌هویت و ایرانیزه نشده و عقیم و غیرماندگار تبدیل کرده که حتی اگر با جهان کازان نیز بیگانه نباشد، با جهان خالقش کاملا بیگانه بوده و بی‌تردید موجب پسرفتی جدی در کارنامه فیلمسازی بهرام توکلی شده؛ چرا که تنها عنوان «بیگانه» نامش به غایت صحیح است؛ هم بیگانه با جهان خالقش و هم بیگانه با منبع اقتباسش.

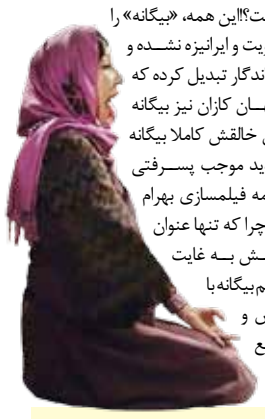

### کاهش بودجه سیما موجب تعدیل و کوچک شدن رسانه ملی شد

## قاب کوچک، کوچک‌تر شد!

صبحگاه ۲۵ آذر با ارسال یک خبر مفصل شامل ۱۱ انتصاب جدید در تلویزیون همراه بود و ۱۱ مدیر تلویزیون جای خود را با دیگران عوض کردند. مدیرانی که اغلب آنها بعد از انتصاب در سمت جدید، نخستین گفت‌وگوی خود با رسانه‌ها را با مهر تجربه کردند. در این خبر رضا پورحسین، مدیر شبکه مستند به عنوان قائم‌مقام سیما معرفی شد، محمد احسانی جایگزین مهدی فرجی در شبکه یک به عنوان شبکه ملی شد؛ شبکه‌ای که دچار محدودیت خاصی نمی‌شود و ۶ گروه برنامه‌ساز آن به قوت قبل به کار خود ادامه می‌دهند. احسانی، مدیر جدید شبکه یک نیز در اولین گفت‌وگویش پس از انتصابش، با بیان اینکه به علت حضور داشتن در هیأت انتخاب جشنواره فیلم فجر در دفتر جشنواره بسر می‌برد، اعلام کرد کار خود در این شبکه سراسری را پس از تودیع و معارفه آغاز خواهد کرد. گرچه قرار نیست تغییر عمده‌ای در شبکه یک ایجاد شود و رویکرد ملی و عمومی آن حفظ خواهد شد، تعداد گروه‌های برنامه‌ساز آن نیز ۶ گروه خواهد بود و کماکان با سمت و سوی پیش از این به فعالیت خود ادامه می‌دهد. سومین انتصاب این خبر به محمدرضا جعفری‌جلوه مربوط می‌شد که به عنوان مدیر جدید شبکه ۲ سیما منصوب شد. وی در آخرین اظهارنظرش ابراز امیدواری کرد در ماموریت جدیدش بتواند اهداف رسانه ملی در این شبکه را محقق کند. وی گفت: مدیریت در شبکه دوم سیما تجربه تازه‌ای برای من خواهد بود و ان‌شاءالله بتوانیم در پیشبرد برنامه‌ها در این شبکه موفق باشیم. در حکم وی، از شبکه ۲ به عنوان شبکه تخصصی در موضوع اجتماعی نام برده شده است که این موضوع ماهیت شبکه کودک و خانواده بودن شبکه ۲ را دگرگون می‌کند. ضمن اینکه شنیده می‌شود از این پس میزان مشخصی از برنامه‌های شبکه ۲ رویکرد فرهنگی خواهند داشت. در بین این انتصابات سیدغلامرضا میرحسینی به عنوان مدیر جدید شبکه ۳ معرفی شد. فردی که در دوران ریاست پورمحمدی بر شبکه سه جزو مدیران وی بود و در گفت‌وگو با مهر، او را پدر معنوی‌اش معرفی و با ابراز خرسندی از بازگشت به خانه‌اش، اظهار امیدواری کرد بتواند خدمات خالصانه‌ای داشته باشد. از سومین شبکه تلویزیون به عنوان شبکه تخصصی ورزش، مسابقات و سرگرمی نام برده شده که این موضوع ماهیت جوان بودن شبکه ۳ یا پررنگ بودن مجموعه‌های تلویزیونی در آن را کمرنگ می‌کند. ضمن اینکه با فعالیت تخصصی شبکه ۳ و اختصاص نیمی از آنتن آن به عرصه ورزش و البته سرگرمی، این احتمال وجود دارد که جایگاه شبکه ورزش نیز اندکی متزلزل شود. در پنجمین سرفصل آن خبر، تقی رستم‌وندی به عنوان مدیر شبکه ۴ سیما ابقا شد و به نظر می‌رسد رضایت مدیران از فعالیت این شبکه باعث می‌شود تغییرات آنچنانی در خط‌مشی آن ایجاد نشود. این شبکه در کنار برنامه‌های علمی خود، سهم قابل قبولی نیز برای برنامه‌های فرهنگی و هنری قائل خواهد شد. جایگاه معارف و اندیشه دینی نیز در این شبکه به قوت خود باقی خواهد ماند. اما ششمین انتصاب مربوط به شبکه ۵ است که طی آن سعید مقیسه با سازمان صداوسیما خداحافظی کرد و مجید زین‌العابدین، مدیر سابق شبکه۳ جایگزین او شد. اصلی‌ترین موضوع درباره این شبکه تغییر اهداف و ویژگی‌ها به شکل صددرصدی است، پنجمین شبکه اصلی تلویزیون دیگر به عنوان شبکه استانی تهران شناخته نمی‌شود و شبکه تخصصی در زمینه اقتصادی خواهد بود. با این تغییرات احتمال تاسیس شبکه‌ای خاص تهرانی‌ها نیز وجود دارد. این خبر در مراسم تودیع و معارفه مدیران نیز توسط قائم‌مقام سیما تایید شد. از دیگر تغییرات شبکه‌ها خداحافظی حسین ساری با شبکه پویا و مرکز پویانمایی صبا و آمدن او به شبکه آموزش است البته با رفتن محمدمهدی قاسمی از شبکه آموزش به نظر می‌رسد تغییرات آنچنانی در این شبکه ایجاد نخواهد شد چرا که شبکه هفتم نیز به عنوان شبکه تخصصی در زمینه آموزش و مهارت معرفی شده است؛ یعنی همانی که بود. قاسمی نیز به عنوان رئیس شورای سیاستگذاری سلامت رسانه ملی معرفی شده است که باید دید این انتصاب تا چه میزان ممکن است شبکه تخصصی سلامت و فعالیت‌های دیگر شبکه‌ها در این عرصه را تحت‌الشعاع قرار دهد. یکی از مهم‌ترین دگرگونی‌های اخیر تلویزیون جایگزینی یک مدیر جوان با رضا پورحسین در شبکه مستند به عنوان یکی از باسابقه‌ترین مدیران تلویزیونی است. رضا پورحسین در حال حاضر قائم‌مقام معاون سیما است. از جمله دیگر تغییرات، رفتن علی بخشی‌زاده از شبکه ۲ و انتصاب وی به عنوان مدیر جدید شبکه پویا بود؛ شبکه تخصصی پویانمایی کودک که به نظر می‌رسد تغییرات اساسی در آن اعمال خواهد شد. بویژه که بخشی‌زاده در گفت‌وگو با مهر اعلام کرد این شبکه بزودی به شبکه رسمی کودک تلویزیون با چند کانال تبدیل می‌شود و گروه‌های برنامه‌ساز و شخصیت‌های محبوب کودکان به این شبکه می‌آیند. چند روزی بیشتر از این تغییرات نگذشته بود که در ۲۶ آذر حجت‌الاسلام والمسلمین موسوی‌مقدم، معاون امور مجلس و استان‌های صدا و سیما اعلام کرد از سوم دی‌ماه و همزمان با آغاز ماه ربیع‌الاول ۲ شبکه پرمخاطب نسیم و افق که تاکنون فقط شهروندان تهرانی می‌توانستند از برنامه‌های جذاب آن بهرمند شوند، قابل دریافت برای همه هموطنان سراسر کشور خواهد بود. این دو شبکه روی دستگاه‌های گیرنده دیجیتال جایگزین شبکه‌های تماشا و العالم خواهد شد. فردای آن روز در پنجشنبه ۲۷ آذر مخاطبان تلویزیون با روشن کردن گیرنده‌های خود برنامه‌های یکسانی را در شبکه‌های «نمایش» و «تماشا» مشاهده کردند. شبکه «نمایش» از یک هفته قبل خبر از پخش سریال می‌داد و شبکه «تماشا» نیز آخرین روزهای فعالیت خود را پشت سر می‌گذاشت. به گزارش مهر، به این ترتیب باید منتظر رسیدن سوم دی‌ماه شد و شاهد اعمال نخستین تغییر رسمی مدیریت جدید سازمان صداوسیما در آنتن رسانه‌ملی بود؛ اینگونه که شبکه‌های نسیم و افق سراسری می‌شوند و فعالیت رسمی‌شان را آغاز می‌کنند و باید دید علاوه بر حذف شبکه «تماشا» بر سر شبکه برون‌مرزی العالم و شبکه‌های نسل دوم تلویزیون که حرفی از آنها زده نشده است، چه می‌آید. بویژه در میان انتصابات اخیر تنها یک نفر یعنی مدیر شبکه ۴ ابقا شد و این نشان می‌دهد تکلیف مدیریت شبکه‌های دیگر و اصلا نحوه پخششان از رسانه ملی مشخص نیست و در فاز دوم تغییرات، سرنوشت آنها مشخص خواهد شد.

■ **کوچک‌سازی و تعدیل سیما ارتباط مستقیم با بودجه دارد**

پورمحمدی درباره ادغام شبکه نمایش با تماشا گفت: با ادغام شبکه تماشا در شبکه نمایش فرصت حضور شبکه نسیم در گیرنده‌های دیجیتال که خواسته مردم سراسر کشور است فراهم خواهد شد. این شبکه‌ها در حال حاضر تنها در تهران قابل دریافت هستند اما با توجه به درخواست بینندگان سیما در دیگر نقاط کشور در آینده شبکه‌های جام‌جم که مخاطب برون مرزی دارند از گیرنده‌های دیجیتال حذف و شبکه افق جایگزین می‌شود. پورمحمدی همچنین بر ضرورت اهتمام ویژه به صرفه‌جویی تأکید کرد و از مدیران شبکه‌های سیما خواست داوطلبانه برنامه‌های پرهزینه، کم‌اثر و کم‌بیننده را از جدول برنامه‌ها حذف و برای کوچک‌سازی شبکه نیز کارشناسی کنند اما به‌زعم این کارشناسان ترکیب جدید مدیران و کوچک‌سازی سازمان و تعدیل شبکه‌های سیما به بودجه ناچیز سازمان مرتبط است. ۱۹ آذرماه میزان بودجه صداوسیما اعلام شد و بلافاصله سیدتقی سهرابی مدیرکل روابط عمومی رسانه ملی رشد ۶ درصدی بودجه امسال صدا وسیما در لایحه ابلاغی دولت را ناچیز و ناکافی دانست و گفت: به‌رغم نیاز سازمان صدا و سیما به بودجه‌ای معادل حداقل ۳ هزار میلیارد تومان در سال مالی پیش‌رو، بودجه این سازمان در مقایسه با سال گذشته تغییر محسوسی نداشته و دولت، رسانه ملی را موظف کرده است از طریق پخش آگهی بازرگانی، ۱۲۰۰ میلیارد تومان درآمدزایی داشته باشد، این درحالی است که مردم از پخش همین مقدار آگهی برای درآمد ۸۹۰ میلیارد تومانی هم ناراضی هستند و رسانه ملی نیز مجبور به آنتن‌فروشی خواهد شد. با این اعتراض سهرابی به بودجه و البته سخنرانی سرافراز در مراسم معارفه‌اش، می‌شد پیش‌بینی کرد بزودی سازمان کوچک‌تر خواهد شد و ممکن است تصمیماتی درباره حذف شبکه‌ها نیز گرفته شود و مشخص است که فرآیند کوچک‌سازی و تعدیل شبکه‌ها و انتخاب مدیران تازه براساس این طرح صورت پذیرفته است.

اخبار

## امروز آخرین وداع با مرتضی احمدی

پیکر زنده‌یاد مرتضی احمدی امروز (سوم دی‌ماه) تشییع می‌شود. به گزارش ایسنا، آیین تشییع پیکر هنرمند پیشکسوت سینما، تئاتر و تلویزیون روز چهارشنبه از مقابل تالار وحدت با حضور هنرمندان و دوستداران مرتضی احمدی از ساعت ۹ صبح برگزار و پیکر او به سمت قطعه هنرمندان بهشت زهرا (س) بدرقه می‌شود. همچنین براساس اعلام، مراسم ترحیم زنده‌یاد مرتضی احمدی روز جمعه (پنجم دی‌ماه) در مسجدجامع شهرک غرب ساعت ۱۵:۳۰ برگزار می‌شود. مرتضی احمدی صبح روز یکشنبه (۳۰ آذرماه) به‌دلیل مشکل ریوی و کهولت سن در منزلش درگذشت. از ماندگارترین آثار احمدی می‌توان به کار صدایی (نوعی دوبله) او در مجموعه «پینوکیو» اشاره کرد که در آن در نقش «روباه مکار» را صداپیشگی کرد. «آرایشگاه زیبا»، «کت‌وشلوار خواستگاری»، «دانی‌ومن» و... از جمله کارهای تلویزیونی مرتضی احمدی است. او در انیمیشن «شکرستان» هم صداپیشگی کرد.احمدی همچنین تلاش زیادی برای حفظ قطعات موسیقی تهرانی که در حال فراموشی بودند، انجام داد و انتشار ۲ آلبوم «صدای طهرون» با صدای این هنرمند پیشکسوت، سندی بر این ادعاست.

■■■

## جراحی محمدتقی فهیم با موفقیت انجام شد

عمل جراحی محمدتقی فهیم، منتقد سینما که در تصادفی از ناحیه گردن دچار آسیب شده بود در بیمارستان امام‌حسین(ع) شاهرود با موفقیت انجام شد. آرش فهیم، فرزند محمدتقی فهیم منتقد سینما با اعلام این خبر درباره وضعیت پدر خود در بیمارستان امام‌حسین (ع) شاهرود به مهر گفت: چندی پیش پدرم برای فیلمبرداری یک فیلم مستند به شاهرود سفر کرد که طی این سفر دچار سانحه و خودروی او در جاده واژگون شد. وی ادامه داد: پس از آن اورژانس بیمارستان امام‌حسین (ع) او را به بخش جراحی این بیمارستان منتقل کرد و طی ۲ روز گذشته مورد دو عمل جراحی در ناحیه گردن قرار گرفت که خوشبختانه هر دو عمل با موفقیت همراه بود. فهیم درباره زمان انتقال پدرش از بیمارستان امام‌حسین(ع) شاهرود به تهران عنوان کرد: احتمالا پدرم تا مساعد شدن حالش باید چند روزی را در همین بیمارستان بماند و بعد از آن برای انتقال به تهران اقدام خواهیم کرد. فرزند محمد تقی فهیم در پایان متذکر شد: می‌خواهم تشکر ویژه از اهالی رسانه داشته باشم که در این مدت جویای حال پدرم بودند و ما را تنها نگذاشتند. خودروی حامل محمدتقی فهیم روز چهارشنبه ۲۶ آذرماه در نزدیکی شهر شاهرود به دلیل لغزندگی جاده دچار سانحه شد.

■■■

## جلد چهارم «تاریخ هزار ساله شعر درباره امام رضا(ع)» منتشر می‌شود

امیراسماعیل آذر، شاعر و استاد دانشگاه در گفت‌وگو با تسنیم از چاپ دوم کتاب «خورشید خراسان - تاریخ هزار ساله شعر پارسی درباره امام رضا علیه‌السلام» با تغییرات وسیع و ویراست جدید خبر داد و گفت: در چاپ دوم یک جلد به این مجموعه ۳ جلدی اضافه خواهد شد. در چاپ نخست این مجموعه به تاریخ روزگار امام رضا(ع) و شعر رضوی از قرن پنجم و ششم هجری تا روزگار حاضر پرداخته‌ام. همچنین در کنار پرداختن به شعرهای رضوی گزارشی کوتاه از زندگی هر کدام از شاعران نیز ارائه شده است. در جلد اول کتاب، به بیان مقدمه‌ای درباره امام رضا(ع)، روزگاری که در آن می‌زیستند و تاریخ روزگار این امام پرداخته شده است. جلد دوم کتاب مجموعه شعرهایی را که در طول تاریخ در مدح و منقبت آن امام همام سروده شده، شامل می‌شود و ۲ بخش امام رضا(ع) در شعر فارسی و امام رضا(ع) در شعر عرب را داراست، همچنین در این بخش توضیحات کوتاهی درباره زندگینامه شاعران این شعرها آورده شده است. آذر تصریح کرد: در جلد سوم چاپ اول کتاب نیز اشعاری برای مشاعره در زمینه شعر آیینی بویژه شعر رضوی تهیه شده، در این جلد کتاب، شعرها به ترتیب حروف الفبایی آمده است. وی با اشاره به تغییراتی که این کتاب ۳ جلدی در چاپ دوم خواهد داشت، افزود: جلد چهارم این مجموعه که هم اینک در دست تدوین است، نگاهی به شعر رضوی در شعر معاصر و مقایسه آن با آنچه که قدما سروده‌اند، دارد. تلاش داشته‌ام از این طریق دریابیم چه تغییراتی در ترکیب‌بندی‌ها، جمله‌بندی‌ها و نگاه‌های شاعران رخ داده است. آذر افزود: در حقیقت در این مجلد اشعار همه شاعران یکصد سال اخیر در رابطه با امام رضا(ع) بررسی می‌شود و مخاطب می‌تواند سیر نگاه به شعر رضوی در ۱۰۰ سال اخیر را دریابد. این استاد دانشگاه همچنین با اشاره به دیگر تغییرات «خورشید خراسان» در چاپ دوم گفت: همچنین بیش از ۸۰ قطعه شعر از شاعران کلاسیک گذشته یافت شده است که به این مجموعه افزوده می‌شود.